یادداشتهای سفر پاکستان

نفیسی، ابوتراب

این دفعه ما را در دو هتل تقسیم کردند.آنهائی را ه رودربایستی داشتند مانند رؤسا و وزراء و خارجیان غیر مسلمان را در هتل انترکنتیننتال و ما را در هتل دیگر بنام مهران‏ که نسبت به اولی درجه دوم بود جادادند-اسامی شبیه به فارسی در پاکستان فراوان است‏ که از آن جمله نام همین هتل است.از اسامی جالب دیگری که در روی تابلوهای ادارات‏ و مغازه‏های پاکستانی به چشم میخورد کلمات و اصطلاحات انگلسی است که برسم الخط فارسی یا اردو نوشته‏اند.

جلسه در طبقه بیست و دوم یکی از ساختمانهای مجلل کراچی بنام‏"حبیب لاتزا" تشکیل می‏شد و خیلی تأکید شده بود که همه سر ساعت حاضر شوند.چون ریاست جلسه را کرمی آقا خان نوادهء آقا خان محلاتی پیشوای فرقه اسماعیلیه داشت.وی پیروان بسیاری‏ در هند و پاکستان و اندکی نیز در ایران دارد و پول زیادی از پیروان خویش جمع‏آوری می‏کند. شایع است که پیروان او همه مردمانی مرفه هستند یعنی به آنها کمک می‏شود.گو اینکه‏ همه یکدهم درآمد خود را بامام که وی باشد تقدیم می‏کنند.جوانی است در حدود 40 سال کاملا آمریکائی‏منش که به لهجه آمریکائی فصیح صحبت کرد و حرفهای حسابی زد و از تعاون اسلامی صحبت کرد ولی چه تعاونی که خودش از دسترنج پیروانش بهره‏برداری کرده و در اروپا و آمریکا به خوشگذرانی مشغول است.

سخنران اصلی این جلسه مولانا کوثر نیازی بود که بزبان عربی صحبت می‏کرد اما متن‏ انگلیسی آن نیز در دسترس بود و بعد منشی جلسه که حکیم محمد سعید بود به انگلیسی‏ سخنرانی کرد و آقا خان را با عنوان His Royal highness که برای‏ پادشاهان و وابستگان آنها به کار می‏رود خطاب کرد.و سپس کریم آقا خان نطق خود را بیان‏ کرد که در بالا بدان اشاره شد،وی یک لباس پاکستانی سرداری سپید پوشیده بود.عده‏ای‏ از مردم عمامه‏های گرد و سفید به سر داشتند که آنها را"مستعلویان‏"خوانند و گویا نوعی‏ اسماعیلی باشند.در بین اسماعیلیان که بجای حضرت امام موسی کاظم برادرش اسماعیل‏ پسر حضرت امام جعفر صادق را امام میدانند و فرقه باطنیه یا ملاحده را تشکیل‏ میداده‏اند نیز فرقه‏های مختلف هست.بهر جهت سخنان آقا خان بسیار جالب و فریبا بود و اعضای کنگره را به مطالعه بیشتر در مطابقت اسلام با زندگی جدید و آینده فکری‏ میخواند.پس از ختم جلسه دوم و سخنرانی‏ها مجددا رادیوی پاکستان با میهمانان خارجی‏ از ممالک همجوار و از آن جمله ماها مصاحبه کرد و سپس همگی برای ادای نماز جمعه به اتفاق‏ امام کعبه رفتند.

بعد از ظهر به مقبره قائد اعظم یعنی محمد علی جناح رفتیم که یادبودی جالب دارد و چندین پله میخورد و بعد به قبر او که در طبقه تحتانی زیر زمین است منتهی می‏شود و یک حلقه گل هم بر مزار وی گذاشتیم.

عصر به موزه‏ای رفتیم که قرآنها را نشان می‏داد ولی قرآنهای موجود در ایران بنظر من زیباتر و جالبتر بود.یک تکه آیه قرآن روی پوست آهو بود که در زیرش کسی نوشته‏ بود"خط حضرت امام حسین در زمان حیات پیغمبر"که بنظرم درست نمی‏آمد.بعد با عجل به جلسه‏ای دیگر رفتیم در هتل انترکنتیننتال که از طرف‏"مؤتمر عالم اسلامی‏"تشکیل‏ یافته بود و در آنجا یک جلد تاریخ و جغرافی‏" (gaz etter) ممالک اسلامی را که بزبان‏ انگلیسی نوشته شده بود بما هدیه دادند و یادبودی نیز بامام مکه و باز هم عده‏ای صحبت‏ کردند.دبیر این انجمن شخصی است بنام‏"انعام الله خان‏"از رفقای سید ضیاء و این‏ مؤتمر را نیز گویا همان دست پروردگان انگلیسیان تشکیل داده باشند.و فعلا در حال‏ کوچک شدن است.معاون رئیس کل هم همان دکتر نصیر اهل اندونزی است که ذکرش رفت. بعد از آن باز به مهمانی یکی از پزشکان که از طرف کوثر نیازی تشکیل یافته بود و یک جلسه‏ مشاعره نیز داشت دعوت شدیم که من نرفتم.

روز بعد طبق برنامه میبایستی به‏"کویته‏"پایتخت بلوچستان برویم ولی به علت‏ بدی هوا یا علل دیگر این مسافرت انجام نگرفت و روز شنبه از صبح تا ساعت 5 آزاد بودیم دکتر مجتهدزاده و من بعد از ظهر را براهنمائی و با اتومبیل یک ایرانی زردشتی بنام‏ "شهریار روانیان‏"که ساکن کراچی بود به گردش رفتیم ابتدا مسجد جدیدی را بنام‏" "طوبی‏"دیدیم که گنبد بسیار بزرگ و یکپارچه دارد و روی آن را از مرمر"سنگ تراورتن‏" مفروش کرده‏اند چنین گنبد بزرگی هیچ‏جاا ندیده‏ام و ساختمان آن نیز بسیار معظم است‏ و بعد به بندرگاه کراچی و گردشگاه لب دریای آن رفتیم و چون وقت زیاد نبود فقط چند دقیقه‏ای ماندیم در ضمن راه کنار دریا به یک امامزاده برخوردیم که بر سر در آن نوشته‏ بود"درگاه پیر سید غازی عبد الله شاه‏"و القاب‏"پیر"و سید"و"مولانا" در اینجا فراوان و یک لغت بخصوص دیگری هست بنام‏"میان‏"که همان‏"میرزا"باشد

جلسه خداحافظی

عصر برای ساعت 5 به منزل استاندار"سند"برای پذیرائی از طرف ذو الفقار علی‏ بوتو نخست‏وزیر رفتیم.

جلسه جالبی بود و بوتو سخنانی جالب گفت که دال بر تقویت دین اسلام و معاضدت‏ با یکدیگر و رفع اختلافات بین ممالک اسلامی و اهمیت ندادن به اختلاف سلیقه‏های جزئی‏ مانند تغییر نام خلیج!یا اختلاف مراکش و الجزیره و افغانستان و پاکستان و کشف حجاب‏ و لزوم علم و پیش رفتن با تکنولوژی جدید و غیره سخن گفت که مورد اعتراض رفاعی از کویت و سمیعی از افغانستان شد که آخری که بزبان عربی صحبت می‏کرد گفت افغانستان‏ هیچ‏گاه محرک تجاوز به پاکستان نبوده است.همانطور که سابق اشاره کردم سخنان وی را دکتر عرفات به انگلیسی دقیقا ترجمه می‏کرد و چون آفتاب داشت غروب می‏کرد و وقت‏ نماز شده بود صحبت‏ها به اتمام رسید و بوتو برای خداحافظی با یکایک حاضرین دست داد و وقتی که به اینجانب رسید از وی به علت اشاره‏ای که بنام خلیج فارس و فارسی بودن آن‏ کرد بنام نمایندگان ایران تشکر کردم.

آخرین حاشیه

مؤسسه‏"حبیب بانک‏"که خیلی در پاکستان معروف است متعلق به‏"حبیب‏"نامی‏ بوده که میگویند اصلا شیعه و ایرانی بوده و از هیچ به ثروتی هنگفت رسیده و اکنون که‏ بانکها طبق دستور دولت ملی شده گویا به عتبات رفته و در آنجا مجاور شده است.

وضع بهداشت مردم عموما خوب نبود،اکثرا با دست غذا خورده و گاهی فراموش‏ می‏کردند که دستها را قبل و بعد از خوراک،همانطوریکه،در ایران قدیم مرسوم بود بشویند اگرچه دراغلب مهمانی‏های عمومی که در فضای باز برگزار می‏شد و تودهء مردم‏ شرکت داشتند دست‏شوریهای متعدد موقتی و صابون کار گذارده بودند ولی هجوم مردم

...هرگاه مشروطیت این دو سال باشد از جان و مال و عرض و ناموس گذشت و تمکین این مشروطیت که بی‏قیدی محض است ننمود و شرع مطهر نبوی را وداع باید گفت و علی الاسلام سلام.دعاگویان از قبل خود و عموم سلسله شیخیه ممالک ایران و تمام فامیل‏ دولتخواهان عرض می‏نمائیم که مقصود اصلی دعاگویان استحکام مبانی شریعت و بقای ذات‏ مقدس سلطنت و دولت ابد مدت و نظم مملکت است چنانکه کارگذاران دلوت زمام امور را در دست اشرار مملکت ننهند و جهال مطلق العنان نباشند شاکریم و الا هرگاه مثل دو سال‏ گذشته باشد رخصت فرمایند این دعاگویان به عتبات عالیات مهاجرت نموده به دعاگوئی‏ ذات مقدس ملوکانه مشغول باشیم.

دعاگویان:محمد قاسم بن کریم،زین العابدین بن کریم،علی بن کریم‏5".

این زین العابدین که نامش را زیر تلگراف می‏بینید(شیخ پنجم)رهبر شیخیان است‏ که زندگینامه او را خواندید.(بقیه این مقاله را در شماره‏ء بعد بخوانید) (1)-مقاله سید محمد علی جمال‏زاده(شیوخ سلسله)شیوخیه-روزنامه دنیا 471-5 دی 1336

(2)-فهرست آثار شیخیه جلد 2 صفحه 343

(3)-سه مکتوب میرزا آقا خان کرمانی صفحه 44(عکس 6539 کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

(4)-مکتب شیخی از حکمت الهی شیعه 2

(5)-رساله فلسفیه بقلم حقیر سراپا تقصیر ابو القاسم 248-220-214-211-183

بقیه از صفحه 15

ولی بعید نیست که در روزگار اشکانی ساخته شده و در زمان ساسانیان،اطاق‏هائی‏ برای سکونت موبدان و آترپانان بآن اضافه شده باشد،بخصوص که پرفسور جکسن،در هنگام‏ بازدید از محل مزبور،آثار خرابه اطاق‏ها و ساختمانهای چندی را مشاهده کرده است. تا تحقیقات جدیدتر باید همین نظریات را پذیرفت.

بقیه از صفحه 43

که نمیدانم دعوت داشتند یا نداشتند گاه آنچنان زیاد بود که اکثرا فرصت استفاده از آنها را نمی‏یافتند.

همانطوریکه کرارا اشاره کردم مردم پاکستان به زبان فارسی توجه زیادی دارند مخصوصا آنان که از چهل سال بیشتر دارند از خواندن و مثال آوردن از گلستان و بوستان‏ سعدی و دیوان حافظ و مثنوی مولوی و شاهنامه خیلی لذت می‏برند و اشعار صوفیانه آنها اکثرا بزبان فارسی است زبان اردو دارای 38 حرف است و به علاوه عده‏ای حروف دارد که صدا را تخفیف یا تشدید می‏دهند و اغلب این دسته از"ه"و"ک‏"و"ن‏"و"د"و نظائر آن هستند مثلا بهوتو در حقیقت‏"بوتو"است با تشدید"ب‏"و"بهائی‏"که‏"بای‏" خوانده می‏شود و معنی آن برادری است.